

**یادداشت**

**ضرورت اجماع**

**فرزان آصف نغمی**  
روزنامه‌نگار



کشنگری سه جریان (تندرو، رادیکال و میانه‌رو) نسبت به دیگری در شکل‌گیری باورهای اساسی مردم و از بین رفتن زودباوری نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد. از این منظر حذف هر یک از سه جریان اصلی از فرآیند گفت‌وگویی، خلاف فرآیندهای تدریجی، تاریخی؛ به مثابه وارد کردن شوک به جامعه و کشور است. نخبگان و افکار عمومی اگر نسبت به فرآیندهای رفت و برگشتی پیشروی و پسروی، و شکست و پیروزی، به عنوان ضرورت مراحل مختلف یادگیری و تجربه اندوزی به منظور عبور از موانع اصلی آگاهی نداشته باشند، هر مرحله شکست به مثابه روند برگشت ناپذیر تلقی شده، ناامیدی به عنوان رکود و ثبات به جایی تغییر به جامعه تحمیل می‌شود. در وضعیت انباشت منازعه، حذف یک جریان هیچگاه به منزله پیروزی نباید تلقی شود. مدل بررسی حاضر که زیست سه گانه تندرو، میانه‌رو و رادیکال و مفاهیم هر یک از این سه گروه به همراه درک مناسبات متضاد میان آنان را الزام‌آور برای گذار موفقیت‌آمیز می‌داند، حذف میانه‌روها به ویژه شخصی مانند علی لاریجانی به عنوان نماد نخبگان درون حاکمیت سیاسی را نیز از طریق سازوکارهای سلیقه‌ای، بسیار مهم‌تر و خطرناک‌تر می‌داند. ویژگی میانه‌روی، حرکت بر روی مدار مطالبات محدود و ممکن و مقاومت نامحدود است. نادیده‌انگاری بخش میانه‌رو حاکمیت سیاسی، به مثابه، نه سوراخ کردن کشتی، که به مثابه ایجاد حفره است. گستره حذف نیروی میانه‌رو سیاسی راهبردی تحت عنوان خالص‌سازی، به همراه بدنه آن، به معنای دو تکه شدن حاکمیت سیاسی است. روگردانی بخشی از جامعه از انتخابات ۱۴۰۰ و فضای سرد انتخاباتی در شرایط کنونی بخش کوچکی از حادثه‌ای است که در حال وقوع است. به عبارت دیگر، حذف لاریجانی از انتخابات، هر چند از نظر بخشی از اصلاح‌طلبان، نظام رای دهی را در پایگاه اجتماعی اصلاحات پلاموضوع کرده و باعث انتخابات حداقلی و پیروزی آقای رئیسی شد، در عین حال نظام سیاسی را از جناح تندرو، میانه‌رو و تندرو محروم کرد. از این منظر اصلاحات در حاکمیت سیاسی بدون نماینده شد و ادامه تحلیلی و مفهومی خود را در اصلاح‌طلبان میانه‌رو و پایگاه عظیم اجتماعی آنان از دست داد. تندروها غافل بودند که حذف میانه‌روها، به معنای بن‌بست در روند تغییر شکل حاکمیت سیاسی، دو احتمال را پیش روی جنبش اجتماعی قرار می‌دهد. ایران از وضعیت سه پایه به وضعیت دو پایه حضور نیروهای رقیب میانه‌رو و رادیکال تغییر یافته خواهد داد. ولی تا آن زمان، یادآوری این نکته ضروری است که دو جریان رادیکال و میانه‌رو، پس از جریان تندرو، اصیل‌ترین جریان‌های شکل گرفته در تاریخ معاصر ایران هستند که در تحولات آتی نقش تعیین‌کننده ایفا خواهند کرد. از این منظر این هشدار برای هردو طیف اصلاح‌طلب میانه‌رو و رادیکال، محرز است که عدم توجه به مشکلات آینده مردم، می‌تواند وضعیت را بسیار بیشتر از آنچه گمان می‌کنند، بغرنج سازد. بنابراین گفت‌وگوی مداوم میان میانه‌روها و رادیکال‌ها از یکسو برای تفاهم بیشتر بر سر انتخابات آینده و همچنین گفت‌وگو آنان با تندروها، برای اصلاح وضعیت سیاست در ایران اصل ضروری و حیاتی است. نباید فراموش کنیم که کشتی سیاست در ایران با سه جریان اصلی تندرو، رادیکال و میانه‌رو پیش می‌رود. اجماع این سه با عبور از میان دالان منازعه و تخصص به حوزه گفت‌وگو، هرچند نیم بند، بزرگ‌ترین دستاورد را برای مردم داشته است.

**دریچه**

**محمد صالح جوکار: اولویت‌های مجلس دوازدهم چه باشد؟**

یک نماینده مجلس درباره اولویت‌های مجلس دوازدهم اظهار داشت: همه افرادی که نامزد انتخابات مجلس می‌شوند باید به منافع آینده کشور و منافع و حقوق مردم بیندیشند. نمایندگان مجلس نمایندگان ملت‌اند و باید در دو حوزه قانونگذاری و نظارت به بهترین شکل عمل کنند. در واقع باید قوانینی وضع شود که مستقیماً مشکلات و گرفتاری‌های مردم را رفع کند و در حوزه نظارت هم نمایندگان باید به دستمزدی اجرایی نظارت داشته باشند که قوانین را به درستی اجرا کنند. برای مثال در مورد اقتصاد لازم است که همه نمایندگان تمام انرژی‌شان را بر رفع مشکلات معیشتی بگذارند زیرا اکنون بزرگ‌ترین مشکل مردم اقتصاد است. از سوی دیگر نمایندگان باید ریل‌گذاری درستی برای دولت ایجاد کنند تا دولت در مسیر درستی حرکت کند. محمد صالح جوکار گفت: نکته بعدی آن است که مجلس نباید تک‌بعدی باشد؛ به این معنا که نباید صرفاً تمرکزش بر موضوعات فرهنگی یا سیاسی باشد و از اقتصاد غافل شود و البته بالعکس. این نماینده مجلس همچنین بیان کرد: «در مجلس یازدهم محاسن زیادی وجود داشت که باید در مجلس یازدهم این محاسن پررنگ‌تر و تقویت شود؛ از تخصص تا تعهد. نمایندگان ضمن اینکه باید تعهد کامل به نظام و مردم داشته باشند باید اشراف کاملی به مسائل کلان کشور هم داشته باشند. نگاه مجلس دوازدهم باید کلان‌محور و راهبردی باشد. یکسری از طرح‌های خوب در مجلس یازدهم مطرح شد اما به دلیل کمبود وقت به مجلس دوازدهم می‌رود که به هر حال نمایندگان بعدی باید آنها را به سرانجام برسانند. همچنین لازم است گام‌های مهمی در حوزه‌هایی مانند اشتغال و مسائلی که به طور مستقیم به زندگی مردم مرتبط است، برداشته شود. جوکار در پایان درباره سببیت مردم مجلس دوازدهم با دولت باید برقرار کند، گفت: «استقلال قوا به صراحت در قانون اساسی آمده است. قوا از یکدیگر مستقل‌اند و باید کار خودشان را انجام دهند. اما در عین حال می‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند تا کارها جلو برود. مجلس می‌تواند با قوه مجریه یا قوه قضائیه تعامل داشته باشد اما تعامل به معنی پذیرش بی‌قید و شرط هر آنچه دولت گفت، نیست. خوب است که مجلس و دولت همدل باشند و سعی کنند مسیر را بر یکدیگر هموار کنند، اما اینکه فرض دولت بخواهد دستوری بدهد و مجلس آن را اجرا کند، این حالت درست نیست زیرا اصل تفکیک قوا را زیر سؤال می‌برد.»

**حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:**

**توافق موقت**

**فقط مسکن است**

**پرونده هسته‌ای باید به وضعیت پایدار برسد**

**باید مشخص شود ماهه ازای کاهش غنی‌سازی ایران چه بوده است**

**ایران و آمریکا مذاکرات را به صورت محرمانه پیش می‌برند**

**تازمانی که تحریم‌ها وجود دارد هر توافقی دچار مشکل است**



**حسن نیت ایران در کاهش غنی‌سازی می‌تواند به گام‌های مثبت بعدی منجر شود**

آرمان ملی - احسان انصاری: خبرگزاری رویترز در گزارشی مدعی شده کاهش سرعت غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم در ایران به معنای محدودیت برای برنامه هسته‌ای این کشور نیست اما این تحول می‌تواند به کاهش تنش میان تهران و واشنگتن کمک کند. بر اساس جدیدترین گزارش دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل که روتترز مشاهده کرده، ایران میزان خلوص اورانیوم غنی شده خود تا سطح ۶۰ درصد را کاهش داده و بخش کوچکی از ذخایر ۶۰ درصدی خود را نیز رقیق کرده است. به گفته تحلیلگران منع اشاعه، کاهش سرعت هسته‌ای ایران ممکن است برای ایالات متحده و ایران کافی باشد تا به کندوکاو کردن در آنچه که آنها به عنوان «نفاهات» توصیف می‌کنند در راستای کاهش تنش‌ها بر سر موضوعات هسته‌ای و دیگر مسائل ادامه دهند. تحلیلگران بر این باورند که این اتفاق لزوماً به معنای هیچ محدودیت واقعی برای برنامه هسته‌ای ایران تا پیش از انتخابات ۵ نوامبر ۲۰۲۴ در ایالات متحده نیست، اما ممکن است به جوی‌بیدن، رئیس‌جمهور این کشور که برای برنده شدن در انتخابات تلاش می‌کند، کمک کند تا از یک بحران سیاسی با ایران رهایی یابد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ابعاد مختلف این موضوع با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

**اخبار ضد و نقیضی از کاهش میزان غنی‌سازی ایران به گوش می‌رسد. این اخبار در صورت صحت به چه میزان می‌تواند در مسیر آینده برجام و یا توافق احتمالی ایران و آمریکا راهگشا باشد؟**

گزارش که آقای گروسی برای جلسه ۲۰ شهریور ماه شورای حکام تنظیم کرده است ایران ذخایر اورانیوم غنی‌سازی شده ۶۰ درصد خود را به ۱۲۱ کیلو و ششصد گرم رسانده است در مقایسه با گزارش قبلی آقای گروسی، ایران ۷ کیلو و پانصد گرم تولید اورانیوم شصت درصد خود را افزایش داده است. این مقدار در مقایسه سه ماه قبل کاهش سرعت غنی‌سازی ۶۰ درصد را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که ایران با چنین اقدامی می‌خواهد حسن نیت خودش را به طرف مقابل نشان دهد و بگوید که به شرط اقدام متقابل و متناسب طرف مذاکره می‌تواند در این مسیر گام‌های بیشتری بردارد. اقدام دیگری که طبق گزارش آقای گروسی آنطور که در رسانه‌هایی مثل رویترز و آسوشیتد پرس منعکس شده، رقیق‌سازی ۶ کیلو و چهارصد گرم از ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد از سوی ایران است و این نیز گام دیگری است که ایران برای اعتمادسازی و اثبات حسن نیت خودش برداشته است و طبیعتاً باز منتظر اقدام متقابل طرف مذاکره کننده است. همچنین، این گزارش حاکی از آن است که طی سه ماه گذشته در مقایسه با گزارش قبلی گروسی، جمهوری اسلامی ایران ذخایر اورانیوم ۵ و ۲۰ درصدی خود را به میزان قابل توجهی افزایش داده است و به ۳۶۷۴.۴ کیلوگرم رسانده است. یعنی در عین اقدام به کاهش سرعت غنی‌سازی ۶۰ درصد ما شاهد افزایش ذخایر اورانیوم ۵ و ۲۰ درصدی از سوی ایران هستیم و این بدان معناست که ایران روند غنی‌سازی را با قدرت ادامه می‌دهد، هرچند اقداماتی در جهت کاهش سرعت غنی‌سازی ۶۰ درصد صورت داده است.

**ایران چرا چنین رویکردی را در دستور کار قرار داده است؟**

ایران در سال‌های ۹۰ و ۹۱ نیز به صورت داوطلبانه رقیق‌سازی را انجام می‌داد و کاهش سرعت غنی‌سازی را در دستور کار داشت. باید دید که مذاکرات به چه سمت و سویی می‌رود و آیا به نتیجه می‌رسد یا نه؟ و اینکه آیا میان این اقدام و تبادل زندانیان و آزادی برخی منابع ارزی مسدود شده ایران در برخی کشورها ارتباطی با این موضوع دارد یا ندارد؟ من معتقدم که این مسائل با همدیگر ارتباط دارند. امیدوارم که مسئولان دستگاه دیپلماسی پیش قدم شوند و در راستای روشننگری افکار عمومی در این خصوص اقدام مثبتی هم به نظر می‌آید توضیحاتی ارائه دهند. اینکه در مقابل این اقدامات، ایران چه به ازایی را می‌خواهد از طرف مقابل دریافت کند یا کرده است اهمیت اساسی دارد. مذاکرات به صورت محرمانه و غیرمستقیم در حال انجام است. خبرهای این مذاکرات هم به صورتی کاملاً فطره چکانی منتشر می‌شود و دلیل این موضوع هم ترس از فضاسازی خبری توسط طرف مقابل و شکست مذاکرات است. در دولت قبل به دلیل همین نوع فضاسازی‌ها مذاکرات ناموفق

**در مورد توافق احتمالی با غرب در مورد پرونده هسته‌ای ایران، چیزی که چندان اهمیت ندارد، اسم توافق است. برجام یا توافق رفع تحریم‌ها یا هر اسم جدیدی که برای آن انتخاب شود، زیاد مهم نیست. مهم محتوای توافق است. در حال حاضر آن گونه که می‌توان از عملکرد دولت سیزدهم برداشت کرد نه دولت سیزدهم چندان تمایلی به احیای برجام دارد و نه طرف آمریکایی برجام ۲۰۱۵ را می‌پسندد و چیزی فراتر از برجام یا به قولی برجام پلاس می‌خواهند**

**باید دید که مذاکرات به چه سمت و سویی می‌رود و آیا به نتیجه می‌رسد یا نه؟ و اینکه آیا میان این اقدام و تبادل زندانیان و آزادی برخی منابع ارزی مسدود شده ایران در برخی کشورها ارتباطی با این موضوع دارد یا ندارد؟ من معتقدم که این مسائل با همدیگر ارتباط دارند. امیدوارم که مسئولان دستگاه دیپلماسی پیش قدم شوند و در راستای روشننگری افکار عمومی در این خصوص که اقدام مثبتی هم به نظر می‌آید توضیحاتی ارائه دهند**

**آغاز رقابت**

تقابل سیاسی بریکس با غرب با شروع تحولات سیاسی و نظامی در شرق اروپا یعنی راه اندازی جنگ میان روسیه و اوکراین بیشتر نمایان شد، چون با رو شدن دست آمریکا در توطئه چینی در اروپا و بیشتر در دیگر نقاط جهان از جمله افغانستان، سوریه، عراق و راه اندازی توطئه‌های علیه ملت مظلوم ایران و در آخرین مورد نیز در اوکراین موجب شد تا بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران، آرژانتین، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر و اتیوپی الجزایر، نیجریه، اندونزی، مرکزیک، ترکیه، بحرین و سنگال و چند کشور دیگر با اشتیاق فراوانی خواستار پیوستن به بریکس شوند که عضویت قطعی کشور از ابتدای سال به بریکس حتی قطعی هم نشد. هر حال بریکس می‌رود با تصمیمات جدیدش به نفع کشورهای بلوک شرق، اقدامات جدیدی را در مقابله با اهداف غرب صورت دهد که آخرین این اقدامات از جمله حمایت از روسیه در جنگ اوکراین و آغاز روند دلار زدایی و بحامیت‌نا توافقی قدرت‌های هسته‌ای جهان با ایران (برجام) حتی موجب خشم در غرب نیز شد. علاوه بر این باید در نظر داشت که گسترش «بریکس پلاس» که توسط چین و روسیه مطرح و حتی تقویت و ترویج می‌شود، دسترس‌ی اقتصاد آمریکا به مواد خام در آفریقا، اوسیا و خاورمیانه را دشوارتر خواهد کرد و می‌تواند چالشی جدید برای آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی نیز مانند مواد اولیه و انرژی باشد. در واقع یکی از ترس‌های اصلی آمریکا از بریکس آن یعنی چین به عنوان رقیب همه‌جانبه و روسیه به عنوان رقیب نظامی و سیاسی است، چون این دو قدرت بیشتر هم سعی کردند با تشکیل ائتلاف‌های دیگر از جمله پیمان همکاری‌های شانگهای به صورت تجمعی اقتدار رو به افول آمریکا را ابتدا در آسیا و بعد در جهان به چالش بکشند. البته آمریکا هم در مقابل سعی کرد ابتدا با تحریک ژاپن و کره جنوبی و بعد تایوان و کشورهای کوچک‌تر آسیا و اقیانوسیه و ایجاد و تقویت اختلافات دریایی میان آنها با چین و حتی روسیه، به ائتلاف‌هایی مثل کواد در شرق جهان دست یزد. این درحالی است که آمریکا با آغاز جنگ جهانی دوم با تشکیل ائتلافی از کشورهای شمال دارای رویکرد لیبرال دمکراسی و بازوی سیاسی خود سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، یونسکو و غیره، استیلای همه جانبه خود را بر جهان حفظ کند و به طور خاص سایه زلی مللی خود را بر دیگر از راهی بین‌المللی بگستراند تا جایی که همه معاملات پولی در هر نقطه از جهان یک‌ترانژش بر بانک مرکزی آمریکا ایجاد می‌کرد و بر سهم جهانی دلار می‌افزود، چون براساس توافقنامه «تون وودز» که در سال ۱۹۴۴ توسط ۴۴ کشور جهان آن زمان جهان امضاء شده بود، دلار به عنوان ارز ذخیره غالب جهان تعیین شده بود، ولو اینکه آمریکا امروزه به‌دکتر ترین کشور جهان هم به شمار می‌آید.

**در شرایط کنونی اگر قرار است گشایشی در پرونده هسته‌ای ایران صورت بگیرد به چه شکل خواهد بود؟**

در مورد توافق احتمالی با غرب در مورد پرونده هسته‌ای ایران، چیزی که چندان اهمیت ندارد، اسم توافق است. برجام یا توافق رفع تحریم‌ها یا هر اسم جدیدی که برای آن انتخاب شود، زیاد مهم نیست. مهم محتوای توافق است. در حال حاضر آن گونه که می‌توان از عملکرد دولت سیزدهم برداشت کرد نه دولت سیزدهم چندان تمایلی به احیای برجام دارد و نه طرف آمریکایی برجام ۲۰۱۵ را می‌پسندد و چیزی فراتر از برجام یا به قولی برجام پلاس می‌خواهند. توافق موقت نمی‌تواند اقتصاد ایران را سامان دهد. چنین توافقی می‌تواند به شکل یک داروی مسکن عمل کند، اما نمی‌تواند مشکل را اساساً حل کند کسانی که به رویکرد نخست معتقد هستند، می‌گویند که با توافق موقت ممکن است اقتصاد ایران بتواند یک تنفس انجام دهد و پس از آن با ساماندهی جدید تحریم‌ها کم‌اثرتر شوند، اما رویکرد دوم معتقد است که باید به یک توافق همه‌جانبه و پایدار رسید تا بتوانیم سرمایه‌گذاری خارجی برنامه‌های همکاری بلندمدت اقتصادی با کشورهای خارجی انجام دهیم. رسیدن به یک توافق پایدار و بلندمدت، بدون مذاکره مستقیم با آمریکا امکان‌پذیر نیست. آنچه که باید مدنظر مسئولان جمهوری اسلامی قرار بگیرد این است که باید برای پایان دادن به این تحریم‌های ناجوانمردانه و انواع و اقسام فشارهای اقتصادی و سیاسی که هزینه‌های گزافی روی دست ملت ایران گذاشته‌اند راهی پیدا کنند. البته این مسیر برای ایران با کشورهای غربی تأثیر مستقیمی در بهبود شاخص‌های اقتصادی دارد. بنابراین برخی افراد و جریان‌های تلاش می‌کنند فضای مثبتی پیرامون مذاکرات و گفت‌وگوهای هسته‌ای ایجاد کنند. این فضای مثبت به دلیل تأثیری است که بازارهای ایران از فضای مذاکرات و اخبار بیرونی می‌گیرند. پس از گزارش مثبت آژانس در خصوص ایران، نشانه‌هایی از بهبود در وضعیت مذاکراتی نمایان شده؛ شرایطی که فعلاً نمی‌توان با قاطعیت در خصوص چشم‌انداز آن صحبت کرد. به‌طور کلی هر نوع توافقی میان ایران و آژانس مبارک و مثبت است و می‌تواند در رسیدن به یک توافق اثر گذار باشد. مدت‌هاست دشمنان ایران از مشکلات ایران و آژانس به عنوان بهانه‌ای برای اعمال فشار بیشتر به ایران استفاده می‌کنند که گزارش مثبت آژانس این بهانه‌ها را از دست دشمنان می‌گیرد. هر اندازه این‌ها کمتری میان ایران و آژانس وجود داشته باشد، فضا برای رسیدن به یک درک مشترک میان ایران با کشورهای ۴+۱ و آمریکا بیشتر خواهد بود.

**نگره**

**علل هراس غرب از بریکس**

پانزدهمین اجلاس سران قدرت‌های نوظهور اقتصادی جهان (بریکس) اواخر ماه گذشته میلادی در حالی در آفریقای جنوبی برگزار شد که دول غربی و به‌طور خاص آمریکا با دقت خود اجلاس و تصمیمات جدید آن را زیر نظر داشتند، چون می‌دانند این پدیده نوظهور می‌رود تا قدرت هژمونی به اصطلاح پلانمناع غرب را به چالش بکشد. چالشی که اغلب تحلیلگران و حتی مقامات غربی نیز به آن اعتراف کرده و هشدارهای لازم برای بیدار شدن غول خفته شرق داده‌اند، چون رقابت اصلی بریکس با کشورهای بلوک غرب به ویژه آمریکا که برای نزدیک یک قرن به حق و یاب به ناطق مدعی قدرت پلانمناع همه‌جانبه بر جهان بودند در ابعاد مختلف ابتدا در قالب اقتصادی و سیاسی و علمی و فناوری و حتی فرهنگی و هنری آغاز شده است. این اجلاس از سه شنبه تا پنجشنبه -۲۴ تا ۲۲ اوت در ژوهانسبورگ پایتخت اقتصادی آفریقای جنوبی و کلانشهر اقتصادی قاره سرشار از منابع آفریقا برگزار شد، رویداد سیاسی و اقتصادی مهمی که غیر از سران کشورهای عضو اصلی (منهای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه که به صورت آنلاین در آن حضور داشت)، نمایندگان بیش از ۲۰ کشور خواهان پیوستن به بریکس، نمایندگان ۶۹ کشور از جنوب سیاسی جهان از جمله رهبران ۵۴ کشور آفریقایی به همراه نمایندگان سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای در آن حضور داشتند و تصمیمات جدیدی را به ویژه برای خروج کشورهای عضو از سلطه دلار آمریکا و افزایش تعداد اعضای اصلی اتخاذ کردند که مقدمه چالش بزرگ آن با غرب است. یادآوری می‌شود کشورهای غربی تحت فشار آمریکا و به همراه حزب مخالف دولت آفریقای جنوبی قبل از برگزاری این اجلاس مهم جنجال‌هایی علیه رهبر روسیه و احتمال دستگیری او توسط پلیس بین‌الملل به راه‌انداخته بودند، اما «سیریل رامافوسا» رئیس‌جمهوری کشور میزبان هشدار داد که اجرائ حکم صادره از سوی دیوان کیفری بین‌المللی برای یادداشت‌داشتن هنگام شرکت او در نشست بریکس به منزله «اعلان جنگ» علیه مسکو خواهد بود.

**آغاز رقابت**

تقابل سیاسی بریکس با غرب با شروع تحولات سیاسی و نظامی در شرق اروپا یعنی راه اندازی جنگ میان روسیه و اوکراین بیشتر نمایان شد، چون با رو شدن دست آمریکا در توطئه چینی در اروپا و بیشتر در دیگر نقاط جهان از جمله افغانستان، سوریه، عراق و راه اندازی توطئه‌های علیه ملت مظلوم ایران و در آخرین مورد نیز در اوکراین موجب شد تا بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران، آرژانتین، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر و اتیوپی الجزایر، نیجریه، اندونزی، مرکزیک، ترکیه، بحرین و سنگال و چند کشور دیگر با اشتیاق فراوانی خواستار پیوستن به بریکس شوند که عضویت قطعی کشور از ابتدای سال به بریکس حتی قطعی هم نشد. هر حال بریکس می‌رود با تصمیمات جدیدش به نفع کشورهای بلوک شرق، اقدامات جدیدی را در مقابله با اهداف غرب صورت دهد که آخرین این اقدامات از جمله حمایت از روسیه در جنگ اوکراین و آغاز روند دلار زدایی و بحامیت‌نا توافقی قدرت‌های هسته‌ای جهان با ایران (برجام) حتی موجب خشم در غرب نیز شد. علاوه بر این باید در نظر داشت که گسترش «بریکس پلاس» که توسط چین و روسیه مطرح و حتی تقویت و ترویج می‌شود، دسترس‌ی اقتصاد آمریکا به مواد خام در آفریقا، اوسیا و خاورمیانه را دشوارتر خواهد کرد و می‌تواند چالشی جدید برای آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی نیز مانند مواد اولیه و انرژی باشد. در واقع یکی از ترس‌های اصلی آمریکا از بریکس آن یعنی چین به عنوان رقیب همه‌جانبه و روسیه به عنوان رقیب نظامی و سیاسی است، چون این دو قدرت بیشتر هم سعی کردند با تشکیل ائتلاف‌های دیگر از جمله پیمان همکاری‌های شانگهای به صورت تجمعی اقتدار رو به افول آمریکا را ابتدا در آسیا و بعد در جهان به چالش بکشند. البته آمریکا هم در مقابل سعی کرد ابتدا با تحریک ژاپن و کره جنوبی و بعد تایوان و کشورهای کوچک‌تر آسیا و اقیانوسیه و ایجاد و تقویت اختلافات دریایی میان آنها با چین و حتی روسیه، به ائتلاف‌هایی مثل کواد در شرق جهان دست یزد. این درحالی است که آمریکا با آغاز جنگ جهانی دوم با تشکیل ائتلافی از کشورهای شمال دارای رویکرد لیبرال دمکراسی و بازوی سیاسی خود سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، یونسکو و غیره، استیلای همه جانبه خود را بر جهان حفظ کند و به طور خاص سایه زلی مللی خود را بر دیگر از راهی بین‌المللی بگستراند تا جایی که همه معاملات پولی در هر نقطه از جهان یک‌ترانژش بر بانک مرکزی آمریکا ایجاد می‌کرد و بر سهم جهانی دلار می‌افزود، چون براساس توافقنامه «تون وودز» که در سال ۱۹۴۴ توسط ۴۴ کشور جهان آن زمان جهان امضاء شده بود، دلار به عنوان ارز ذخیره غالب جهان تعیین شده بود، ولو اینکه آمریکا امروزه به‌دکتر ترین کشور جهان هم به شمار می‌آید.